

تو چراغ رهنما و نور راهی از دل ما می زدایی هر سیاهی
(این دل ما چون بیابان سرد و تاریک
از برای این بیابان همچو ماهی) (۲)

(نور ایمان ، ماه تابان ای معلم ای معلم (۳) (۲)

تو به شغل خوب و پاک انبیایی چون نبی با روح ما تو آشنایی
(مثل شمعی که بسازد خود بسوزد
جان ما را می دهی تو روشنایی) ۲

(نور ایمان شمع سوزان ای معلم ای معلم (۳) (۲)

جان ودلها از وجودت شد بهاران
گر نباشی گل نباشد در گلستان
باغبانا پروریدی گل به هر جا
بسته شد آب از تو شاداب روض و ریحان

(نور ایمان دُر خندان ای معلم ای معلم (۳) (۲)

در کلاست دادی درس عشق و همت
گفتی از حق علم و ایثار حسن نیت
رحمت حق شامل تو هر کجا باد در تلاش و زندگانی یابی عزت

(نور ایمان لطف یزدان ای معلم ای معلم (۳) (۴)